

آرزوهای ناروا در قرآن

فرج الله میرعرب*

مقدمه

آرزوهای بی‌شک نقش مهمی در سرنوشت انسان دارد. آرزوها در واقع نویددهنده حرکت به سمت اهداف هستند. انسان با آرزو همزاد است و با آرزو زندگی می‌کند. شب‌هنگام به امید و آرزوی روزی سرشار از سعادت و موفقیت به بستر می‌رود و صبح به امید طلوع دوباره خورشید و روزی همراه با سعادت از خواب بر می‌خیزد؛ اما برخی آرزوها نه تنها نقشی در سعادت انسان ندارد، بلکه عامل انحراف و بدبختی است؛ آرزوهایی که می‌توان از آن به عنوان آرزوی ناروا یاد کرد. طنطاوی آرزو را غریزه‌ای می‌داند که برای تشویق انسان به تحصیل کمال در او به ودیعت نهاده شده است؛ بنابراین هرگاه آرزو در جهت نابودی آنچه دیگران دارند یا بازداشتن شخص از تحصیل کمال باشد، ناروا خواهد بود.^۱ این نوشتار می‌کوشد آرزوهای ناروا را از منظر قرآن تبیین کند.

الف) مفهوم‌شناسی

آرزو که در فارسی با «کاش و ای کاش» و در قرآن با واژه‌هایی مانند لیت، لعل، تمنی و أمل بیان می‌شود، به معنای امیدداشتن و انتظارکشیدن چیزی است که حصول آن دور از انتظار است؛^۲ نیز آرزو به معنای میل و اشتیاق برای رسیدن به مراد یا مقصود که معمولاً مطلوب است، گفته می‌شود.^۳

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. طنطاوی بن جوهری، الجواهر، ج ۲، ص ۳۸.

۲. حسن مصطفوی، التحقيق، ج ۱، ص ۱۴۹، «امل».

۳. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، ص ۸۰.

ب) اقسام آرزو

آرزو به آرزوی مثبت و منفی یا آرزوی پسندیده و نکوهیده تقسیم می‌شود:

۱. آرزوی پسندیده

آرزوی پسندیده دل‌بستن به آینده‌ای است که دسترسی به آن عقلانی است و با تلاش می‌توان به آن رسید؛ این مسئله امری فطری است که خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»؛^۱ پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ‌کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند. در این حالت بی‌شک، امید و آرزو عامل حرکت چرخ‌های زندگی انسان‌هاست. در حدیث معروف نبوی آمده است: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجَرًا»؛^۲ امید و آرزو برای امت من رحمت است و اگر امید و آرزو نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی [برای باروری] نمی‌کاشت.

۲. آرزوی ناپسند

آرزوهای ناپسند به دل‌بستگی‌هایی گفته می‌شود که بیشتر ذهنی، غیر معقول، کودکانه و دسترسی به آنها بسیار بعید است. آرزو اگر از حد بگذرد و به گونه آرزوی دورودراز درآید، بدترین عامل انحراف و بدبختی است. خداوند درباره این آرزو می‌فرماید: «رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ نَرُحِمُهُمْ بِمَا كَانُوا وَ يَنْمَتُّوْا وَ يَلْهَمُهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»؛^۳ کافران [هنگامی که آثار شوم اعمال را ببینند] چه بسا آرزو می‌کنند مسلمان بودند! بگذار آنها بخورند و بهره گیرند و آرزوهای آنان را غافل می‌سازد؛ ولی به زودی خواهند فهمید. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «وَ مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ أَسَاءَ الْعَمَلِ»؛^۴ هر که آرزویش را طولانی کند، عملش را زشت و ناپسند می‌گرداند. اگر انسان بخواهد در زندگی بلندپروازی کند و خواسته‌ای بالاتر از حد امکانات و توانایی خود داشته باشد و اصرار بر رسیدن به آن به هر قیمت و از هر راهی داشته باشد، باید همه حریم‌ها را بشکند و به هر وسیله‌ای متوسل گردد.

مولوی در ابیاتی می‌گوید:

۱. کهف: ۱۱۰.

۲. مصطفی پاینده، نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله، ص ۶۵۳.

۳. حجر: ۲ - ۳.

۴. صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۷۶.

شیر خدا و رستم دستانم آرزوست	زین همرهان سست عناصر دلم گرفت
آن نور روی موسی عمرانم آرزوست	جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او
کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست	دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر
گفت آن که یافت می‌نشود آنم آرزوست ^۱	گفتند یافت می‌نشود جسته‌ایم ما

ج) انواع آرزوهای ناروا

در قرآن و روایات انواعی از آرزوها مانند آرزوی دورودراز نکوهش گردیده و از آنها نهی شده است؛ چراکه سبب فراموشی قیامت می‌شود.^۲ آیاتی از قرآن به‌صراحت مؤمنان را از برخی آرزوها بازداشته‌اند که به مواردی اشاره می‌شود:

۱. آرزوی حسودانه

مؤمنان از آرزوکردن چیزی که برخی بندگان به آن برتری یافته‌اند، نهی شده‌اند:

«وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^۳ و آنچه را خداوند با آن برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است، آرزو نکنید؛ مردان را از آنچه برای خود به دست می‌آورند بهره‌ای است و زنان را [هم] از آنچه برای خویش به کف می‌آورند بهره‌ای و بخشش خداوند را درخواست کنید که خداوند به هر چیزی داناست.

دلیل نهی در آیه این است که آرزوی چیزی خارج از ظرفیت و توان آدمی یا چیزی که استحقاق آن را ندارد، جز فرسایش روح و حسرت و اندوه و در نهایت حسدورزی برای صاحبش چیزی به بار نمی‌آورد؛ ازاین‌رو چنین آرزوهایی ناروا و ممنوع دانسته شده است. فخر رازی دراین‌باره می‌گوید: «هنگامی که انسان بر خورداری دیگران از انواع فضایل را ببیند، درحالی‌که خود فاقد آنها است، ناراحت و مشوش می‌شود و یکی از دو حالت به او دست می‌دهد: یا زوال آن فضایل را از شخص مزبور آرزو می‌کند یا حصول آن را برای خود نیز می‌خواهد. حالت اول حسد و

۱. جلال‌الدین محمد مولوی، دیوان شمس تبریزی، غزل ۴۴۱.

۲. محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۹، ص ۱۵۵؛ محمد بن علی بن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۱۵؛

محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۲۹.

۳. نساء: ۳۲.

چون اعتراض به خداوند است، به کفر منتهی و موجب فساد دین و دنیای او می‌شود و حالت دوم غبطه است که منعی ندارد.^۱

بر همین اساس شیطان در دل و ذهن کسانی آرزوهای باطل را وسوسه می‌کند؛ زیرا کار شیطان ایجاد آرزو در دل و مشغول کردن اذهان انسان‌ها به آرزوهای فراوان و بیش از استحقاق است؛ بنابراین ابتلا به آرزوها نشانه‌ای از تسلط شیطان بر آدمی است و بیشتر وسوسه‌های شیطانی در قالب آرزوها، قلب و ذهن انسان را به تسخیر در می‌آورد. خداوند می‌فرماید: «أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى * فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى»^۲ مگر برای انسان آنچه آرزو کند، خواهد بود؟ [هرگز!] زیرا پایان و آغاز از آن خداوند است.

آرزوهای حسودانه در هر جهتی ناروا و ممنوع است. انسان فهیم تلاش می‌کند خود را به سمت کمال و ارزش بکشد، نه اینکه دیگران را از ارزش و کمال بیندازد؛ خداوند از آرزوی گروهی از اهل کتاب درباره مسلمانان خبر می‌دهد که بسیاری از آنان به دلیل حسادت به کمالات و ارزش‌های مسلمانان، آرزو دارند پس از ایمان آوردن به پیامبر ﷺ، به کفر باز گردانند: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّوكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ»^۳.

۲. آرزوی ثروت

بعضی از مردم همواره حسرت ثروت و جایگاه ثروتمندان و ستمگران را دارند، بی‌آنکه بیندیشند آیا این ثروت و جایگاه ظالمانه برای آنها عاقبت خوشی به همراه دارد یا نه. در سوره «قصص» از آرزوی داشتن اموال و منزلت ظالمان و حرام‌خواران نهی شده است. در این آیات آمده است: هنگامی که عده‌ای سطحی‌نگر ثروت و جایگاه قارون را دیدند، آرزو کردند همانند او باشند؛ سپس می‌فرماید:

«فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يَرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»^۴ [روزی قارون] با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد، آنها که خواهان زندگی دنیا بودند، گفتند: ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است، ما نیز داشتیم! به‌راستی که او بهره‌عظیمی دارد.

۱. محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۸۱ و ۸۲.

۲. نجم: ۲۴ - ۲۵.

۳. بقره: ۱۰۹.

۴. قصص: ۷۹.

مؤمنان دانشمند به این گروه اعتراض کردند که این آرزو جاهلانه است. خداوند در ادامه می‌فرماید پس از فرورفتن قارون با ثروتش در زمین، همان کسانی که تا دیروز جایگاه او را آرزو می‌کردند، با اظهار پشیمانی از آرزوی خود، تحقق نیافتن آن را نعمتی بس بزرگ یاد کردند:

«وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَانَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا»^۱ و آنان که دیروز جایگاه او را آرزو می‌کردند، پگاهان می‌گفتند: آوخ! گویی خداوند روزی را برای هر یک از بندگان که بخواهد فراخ می‌دارد [یا] تنگ می‌گرداند و اگر خداوند بر ما منت نهاده بود، ما را نیز [در زمین] فرو می‌برد. آوخ! گویی کافران رستگار نمی‌گردند.

۳. آرزوی کفر و گمراهی مؤمنان

خداوند در آغاز سوره «ممتحنه» ماهیت کافران را برای مؤمنان آشکار می‌کند که آرزو دارند مؤمنان همچون آنان کفر ورزند؛ از این رو مؤمنان را از دوستی با کافران نهی می‌کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ»^۲ ای مؤمنان، اگر برای جهاد در راه من و به دست آوردن خرسندی من [از شهر خود] بیرون می‌آید، دشمن من و دشمن خود را دوست مگیرید که به آنان مهربانی ورزید؛ درحالی که آنان به آنچه از سوی حق برای شما آمده است، کفر ورزیده‌اند * و دوست می‌دارند کاش شما نیز کافر می‌شدید.

۵. آرزوی رنج مؤمنان

آرزوی جبهه دشمن، آسفتگی جامعه مسلمانان و به‌سربردن آنان در رنج و سختی است. خداوند ضمن نهی مؤمنان از اینکه مشرکان را هم‌راز خود قرار دهند و اسرار خود را برای آنان بازگویند،^۳ می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْتُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفَى صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ

۱. همان: ۸۲.

۲. ممتحنه: ۱-۲.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۲۰.

تَعْقِلُونَ»^۱: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، محرم اسراری از غیر خود انتخاب نکنید. آنها از هرگونه شرّ و فسادى درباره شما کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. [نشانه‌های] دشمنی از دهان [و کلام] شان آشکار شده است و آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات [و راه‌های پیشگیری از شرّ آنها] را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید.

۶. آرزوی موفقیت بدون کار و تلاش

خدای متعال قانونی را بیان کرده است که حاکم بر نظام انسانی است و آن دست‌نیافتن به نعمت و امکانات بدون کار و تلاش است؛ چنان‌که در سوره «نجم» فرموده است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۲: و بدانید که برای انسان بهره‌ای جز به تلاش و کوشش نیست.

به کوشش بجوئیم خُرم بهشت خُنک آنکِ جز تخم نیکی نکشت^۳

بر همین اساس خداوند قصه مسلمانان را یادآور می‌شود که آرزو داشتند دارایی‌های کاروان تجاری قریش که مشقت جنگ را ندارد، نصیب‌شان شود؛ ولی خداوند برخلاف خواسته و آرزوی آنان اراده کرد:

«وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَحِقَّ الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ»^۴: و [یاد کن] آن‌گاه را که خداوند به شما وعده می‌فرمود که [پیروزی بر] یکی از دو دسته از آن شما باشد و شما دوست می‌داشتید آن دسته بی‌جنگ‌افزار از آن شما گردد؛ اما خداوند می‌خواست حق را با کلمات خویش تحقق بخشد و ریشه کافران را بر کند.

۷. آرزوی عمر طولانی

آرزوی داشتن عمری طولانی آن هم فقط برای زنده ماندن بی‌ارزش، آرزویی نارواست. مشرکانی که معاد را انکار می‌کردند و یهودیان با اینکه مدعی بودند بهشت مخصوص آنان است، از مردن هراس داشتند و آرزو می‌کردند هزار سال عمر کنند. خدای متعال می‌فرماید:

۱. آل عمران: ۱۱۸.

۲. نجم: ۳۹.

۳. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، پادشاهی بهرام گور، بخش ۱.

۴. انفال: ۷.

«وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَخْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يَعْمُرُ أَلْفَ سَنَةٍ ...»^۱: آنها را حریص‌ترین مردم حتی حریص‌تر از مشرکان بر زندگی [این دنیا و اندوختن ثروت] خواهی یافت [تا آنجا] که هر یک از آنها دوست دارد هزارسال عمر کند

۸. آرزوی اختصاصی بودن بهشت

آرزوی اختصاص داشتن بهشت به اهل کتاب، آرزویی گزاف است که خدای متعال این آرزو را به خیالات ذهنی تشبیه کرده است: «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ...»^۲: آنها گفتند هیچ‌کس جز یهود یا نصارا هرگز داخل بهشت نخواهد شد، این آرزوی آنها است «امانی» جمع «أمنية» به معنای حالتی است که در نفس و ذهن انسان بر اثر آرزو پیدا می‌شود.^۳

آرزوی ورود به بهشت و رهایی از جهنم به‌صرف انتساب به ادیان الهی آرزویی نارواست. در آیات نورانی قرآن می‌خوانیم:

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ... لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ ...»^۴: و کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، به‌زودی آنها را در باغ‌هایی از بهشت وارد می‌کنیم که نهرها از زیر درختان آن جاری است ... [فضیلت و برتری] به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست، هر که عمل بد کند، کیفر داده می‌شود

۹. آرزو پس از حتمیت عذاب

آرزوی پس از حتمیت عذاب که ناروا و دست‌نیافتنی است، ممکن است در دنیا یا پس از مرگ باشد:

۱. بقره: ۹۶.

۲. همان: ۱۱۱.

۳. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۷۶.

۴. نساء: ۱۲۲ - ۱۲۳.

الف) در دنیا

در آیات ۳۲ تا ۴۲ سوره «کهف» داستان گفتگوی مردی کافر که دو تاکستان داشت، با فردی مؤمن بیان شده است. مرد کافر در این گفتگو به فراوانی ثروت و نیرومندی کسانش تفاخر می‌کرد و می‌گفت: گمان نمی‌کنم این باغ هرگز از میان برود. در آیات بعد خداوند خبر می‌دهد میوه و درختان آن باغ با عذاب الهی نابود شد و آن کافر با تأسف از هزینه‌ای که صرف کرده بود و اکنون نابود شده است، آرزو می‌کند: ای کاش کسی را شریک پروردگارم نساخته بودم: **«وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يَقْلِبُ كَفِيهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا»**^۱؛ اما این آرزو سبب نشد باغش به حالت اول برگردد.

ب) پس از مرگ

همگان می‌دانیم با مردن هر شخص نامه عمل او بسته می‌شود. اگر کسی پس از مرگ آرزو کند ای کاش چنین و چنان می‌کردم، هرگز آرزوی‌اش برآورده نخواهد شد. در قرآن موارد متعددی از این نوع آرزو بیان شده که بر ناروایی‌اش تأکید شده است؛ مانند:

آرزوی کسانی که در دنیا تبلی کرده‌اند و عمل خوبی ندارند و پس از مشاهده صحنه‌های سخت قیامت آرزو می‌کنند ای کاش عمل نیکی می‌کردند، بسیار نارواست. خداوند می‌فرماید: **«يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي»**^۲؛ هنگامی که انسان [در قیامت مشاهده می‌کنند که بر اساس عمل پاداش می‌دهند]، می‌گوید: ای کاش برای زندگی ابدی خویش چیزی می‌فرستادم.

بعضی نیز عمل کرده‌اند؛ ولی وقتی نام عمل را می‌بینند، جز زشتی مشاهده نمی‌کنند؛ اینان آرزو می‌کنند ای کاش این نامه را نمی‌دیدند؛ خدای متعال نقل می‌کند: **«وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهٗ * وَلَمْ أَدْر مَا حِسَابِيهٗ * يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ»**^۳؛ کسی که نامه عمل آنان به دست چپشان داده می‌شود، می‌گوید: ای کاش نامه عملم به من داده نشده بود و از حساب خود خبردار نشده بودم؛ ای کاش مرگ پایان کار من بود.

نمونه دیگر آرزوی همراهی با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از مشاهده عذاب قیامت است: **«وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا»**^۴؛ از روزی خبر می‌دهد که ستمکار

۱. کهف: ۴۲.

۲. فجر: ۲۴.

۳. ۲۵-۲۷.

۴. فرقان: ۲۷.

دودست خود را به دندان گزیده، می‌گوید: ای کاش با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همراهی می‌کردم و پیرو او می‌شدم.

در سوره «احزاب» آرزوی گروهی از اهل جهنم نقل شده که می‌گویند: «يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ»: ' روزی که چهره‌های دشمنان خدا و رسولش و نافرمانان در آتش گردانده شود، می‌گویند: ای کاش از خداوند و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمان برده بودیم.

گروهی نیز به‌جای آنکه در دنیا در انتخاب دوست دقت کنند، در قیامت آرزو می‌کنند کاش با فلانی دوست نمی‌شدم. خدای متعال از زبان عده‌ای نقل می‌کند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»: ' وای بر من، ای کاش فلان را دوست نگرفته بودم. آیات درباره چنین آرزوهای باطل متعدد است که از ادامه آنها به دلیل طولانی شدن کلام صرف نظر می‌کنیم.

فهرست منابع

۱. انوری، حسن؛ فرهنگ بزرگ سخن؛ تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲ ش.
۲. آلوسی، سیدمحمد؛ روح المعانی؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۳. پاینده، مصطفی؛ نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۴. دهخدا، علی‌اکبر؛ فرهنگ دهخدا؛ تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۵ ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ دمشق: دار العلم الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۶. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین؛ مواعظ؛ زیر نظر حمیدرضا محمدی؛ نرم‌افزار گنججور، نسخه ۲/۸۷، dg.ganjoor.net.
۷. شریف‌الرضی، محمد بن حسین؛ نهج‌البلاغه؛ تنظیم: صبحی صالح؛ قم: انتشارات هجرت، [بی‌تا].
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ الخصال؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع‌البیان؛ بیروت: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۰. طبری، محمد بن جریر؛ جامع‌البیان؛ بیروت: دار‌المعرفه، ۱۴۱۲ ق.

۱. احزاب: ۶۶.

۲. فرقان: ۲۸.

۱۱. طنطاوی بن جوهری، محمد؛ الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. فخر رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. فردوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه؛ زیر نظر حمیدرضا محمدی؛ نرم افزار گنجور، نسخه ۲/۸۷،
dg.ganjoor.net.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۱۶. مولوی، جلال الدین محمد؛ دیوان شمس تبریزی؛ زیر نظر حمیدرضا محمدی؛ نرم افزار گنجور، نسخه ۲/۸۷،
dg.ganjoor.net.
۱۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان؛ تفسیر راهنما؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.